

حادثه‌ها

حمله به یک بسیجی

■ **فارس:** جوانی بسیجی در شهر جدید اندیشه مورد هجوم موتورسواران قرار گرفت و به شدت زخمی شد. این واقعه ساعت ۲۳:۳۰ چهارشنبه رخ داد و یک جوان بسیجی به نام حسین مرشدی از سوی دو نفر موتورسوار مورد حمله قرار گرفت.ضاربان پس از وارد آوردن ضرباتی با سلاح سرد به سر این جوان بسیجی، از محل متواری شدند سپس حسین توسط اهالی محل به بیمارستان‌های بقیه‌الله تهران اعزام شد و حال عمومی وی وخیم گزارش شده است.

خونریزی مغزی علت مرگ پارسا اعلام شد

■ **شرق:** علت مرگ پارسا، کودک چهارساله‌ای که قربانی کودک‌آزاری شده بود، خونریزی مغزی اعلام شد. این کودک توسط مادرش و مرد مورد علاقه او به شدت مورد آزار قرار گرفته و دچار مرگ مغزی شده بود. او در این مدت در بیمارستان فیاض‌بخش تهران بستری بود تا اینکه روز چهارشنبه هفته پیش قلب این کودک نیز از حرکت ایستاد و جسدش به پزشکی قانونی منتقل شد. شیرین صدنروری و مددکار انجمن حمایت از حقوق کودکان با بیان اینکه علت مرگ این کودک خونریزی مغزی عنوان شده است، گفت: پدربزرگ پارسا می‌گوید در ابتدا به خاطر عدم تسویه‌حساب، از تحویل جسد خودداری شد و سپس با همکاری مددکار بیمارستان و کاهش مبلغ، تسویه‌حساب انجام شد، اما جسد به خاطر پیگیری و مشخص شدن علت دقیق مرگ به پزشکی قانونی تحویل داده شد. وی با اشاره به اینکه مادر پارسا هم‌اکنون در زندان به سر می‌برد، عنوان کرد: سه‌شنبه گذشته، نخستین جلسه دادرسی این زن برقرار و در این جلسه مادر مدعی شد کودک‌آزاری‌ها توسط محمدرضا (مرد مورد علاقه وی) انجام شده است.

حادثه در شهر یازی

■ **شرق:** یکی از وسایل شهر یازی شهرستان دهدشت حادثه‌ساز شد و ۲۰ نفر از سرنشینان آن بر اثر سقوط مجروح شدند. به گزارش خبرنگار ما، شامگاه پنجشنبه، گذشته‌ای افرادی که برای تفریح به شهر یازی دهدشت رفته بودند با صحنه هولناکی روبه‌رو شدند ۲۰ نفر از افرادی که سوار سفینه شهر یازی شده بودند در حالی که این وسیله در حال حرکت بود، از آن سقوط کردند و به شدت مجروح شدند. به دنبال این حادثه نیروهای امدادی به کمک حادثه‌دیدگان شتافتند و به سرعت مجروحان را به بیمارستان منتقل کردند. یکی از شاهدان عینی در این‌باره گفت: شهر یازی شلوغ بود و خانواده‌های زیادی به آنجا آمده بودند. در بین وسایل بازی، سفینه‌ا از همه شلوغ‌تر بود و حدود ۵۰ نفر سوار آن شده بودند. سفینه شروع به حرکت کرد اما بعد از چند لحظه حدود ۲۰ نفر از آن سقوط کردند و صحنه وحشتناکی ایجاد شد. دو نفر از مجروحان وضعیت بدی داشتند که به سرعت به بیمارستان منتقل شدند. شهر یازی دهدشت از مدت‌ها قبل به دلیل ایمنی پایین تعطیل شد اما به تازگی بازگشایی شده بود.

شبکه بزرگ سرقت متلاشی شد

■ **شرق:** تجسس‌های پلیس درباره اعضای یک باند تبهکاری به دستگیری هشت سارق حرفه‌ای انجامید. به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل افسران اداره بیستم پلیس آگاهی تهران به اطلاعاتی دست یافتند که از فعالیت گسترده یک شبکه بزرگ تبهکاری حکایت می‌کرد. اطلاعات اولیه نشان می‌داد متهمان که از سارقان حرفه‌ای هستند در سطح وسیعی لوازم داخل خودروها را سرقت می‌کنند. از آنجا که بیشتر این زردی‌ها در مناطق شمال، شمال‌شرق و شمال‌غرب تهران رخ داده بود تجسس‌های گسترده‌ای در این مناطق آغاز شد. در جریان این تحقیقات، افسران پلیس به سرخ‌هایی درباره یکی از اعضای این گروه به‌نام کریم که از مجرمان سابقه‌دار سرقت خودرو و لوازم داخل خودرو بود، دست یافتند دنبال کردن این سرخ‌ها مأموران را به منطقه بریانک رساند. در این مرحله کار آگاهان چند روز این محل را تحت‌نظر گرفتند تا اینکه پی بردند علاوه بر کریم، چند نفر دیگر از همدستان او نیز در آنجا پنهان شده‌اند. به این ترتیب با حکم بازرس شعبه شش دادرسی ناحیه چهار، کریم و سه همدستش بازداشت و در بازرسی از مخفیگاهشان مقادیر زیادی لوازم داخل خودروهای مسروقه کشف شد. هنگامی که متهمان تحت بازجویی قرار گرفتند به ارتکاب ده‌ها فقره سرقت لوازم داخل خودرو در نقاط مختلف تهران اعتراف کردند و دو عضو دیگر این باند به نام‌های طاهر و شهریار را که با هم برادر هستند به پلیس معرفی کردند. تحقیق درباره این دو برادر نشان داد آنها از افراد سابقه‌دار در زمینه سرقت خودرو و لوازم داخل آن هستند و پیش از این، بارها دستگیر و زندانی شده‌اند. در چنین شرایطی مأموران با استفاده از منابع اطلاعاتی به جست‌وجوی آنها پرداختند و سرانجام آن دو را در مخفیگاهشان در بلوار فردوس به دام انداختند. این دو متهم نیز در بازجویی‌ها ده‌ها فقره سرقت را بر عهده گرفتند اما این پایان کار نبود و تحقیقات زنجیره‌ای پلیس به دستگیری دو تبهکار دیگر به نام‌های محمدرضا و شهرام انجامید. این دو متهم که عمو و برادرزاده هستند علاوه بر سرقت خودرو و وسایل داخل آن، به چندین مورد زورگیری و سرقت تحت پوشش مامور نیز اعتراف کردند. مأموران در بازرسی از مخفیگاه این دو نفر علاوه بر کشف ده‌ها حلقه لاستیک، لوازم داخل خودرو، مقادیر زیادی کیف پول، ارز، طلا و جواهرات، دو قبضه سلاح کمری جنگی، دستگاه بی‌سیم، چراغ گردان و وسایل گرم‌خ چهره و یک دستگاه خودرو زانتای مسروقه کشف کردند.

حوادث

فرمانده انتظامی استان تهران و البرز تشریح کرد

جزئیات تازه از پرونده قتل قوی‌ترین مرد ایران



عکس‌هم‌کار اطلاع رسانی پلیس استان تهران البرز

فرمانده انتظامی استان تهران و البرز درباره روند تحقیقات در این پرونده توضیح داد: کارآگاهان با کمک تنها شاهد حادثه بازجویی از متهمان فاش کرد ضارب اصلی نوجوانی ۱۷ساله است که زمان درگیری دانشی را نشناخته و وقتی با این مرد تونمند مواجه شده بود، از ترس اینکه مغلوب او شود، دست به چاقو برده بود. همچنین فاش شد دو همراه دیگر او در قتل نقشی نداشتند و یکی از آنها زمان درگیری در خودرو پراید مشک‌ی‌رنگ خواب بود و نفر دیگر هم با همراه داداشی گل‌اوز شده بود. از سویی تحقیقات نشان داد هیچ‌ک از متهمان سابقه کیفری ندارد و در زمان حادثه نیز تحت تأثیر مشروبات الکلی یا موادمخدر نبودند.سردار علیرضا اکبرشاهی،

فرمانده انتظامی استان تهران و البرز تصریح کرد: با کسب این پرونده توضیح داد: کارآگاهان با کمک تنها شاهد حادثه بازجویی از متهمان پرداختند. همچنین این شاهد گفت سه رقم از پلاک خودرو پراید مشک‌ی‌رنگ قاتلان دانشی را به یاد دارد. وی تصریح کرد: مأموران پلیس آگاهی با دریافت تنها سه‌سه عدد از پلاک خودرو متهمان به قتل، تحقیقات گسترده خود را برای شناسایی این خودرو آغاز و سرانجام پس از حذف بسیاری از گزینه‌های موجود خودرو ضاربان را شناسایی کردند و با حضور در محل سکونت مالک پراید دریافتند این شخص برادر ضارب است. مأموران همچنین با بررسی دقیق اتاقک خودرو توانستند قطره‌های خونی را در ماشین کشف کنند.

قتل، پایان بخش رقابت عشقی

متهم : فقط می‌خواستیم با رقیبم گفت و گو کنم

پذیرفت، اما مدعی شد مرگ او فقط یک اتفاق است و وی قصد نداشته پارسا را بکشد. متهم به قتل در تشریح این ماجرا گفت: من از مدت‌ها قبل به دختری به نام سارا علاقه داشتم. به همین دلیل تلاش کردم با طرح دوستی بریزم، اما تلاش‌هایم فایده‌ای نداشت. وقتی چند مرتبه او را تعقیب کردم فهمیدم پای پارسا در میان است و سارا می‌خواهد با او آدواج کند. فهمیدن این موضوع باعث شد خشم و نفرت تمام وجودم را فرا بگیرد. در همان روز از پارسا دست رقیب عشقی‌اش تقویت کرد. در چنین شرایطی افسران پلیس با تجسس‌های پرانمه خود، این جوان را که شهرام نام داشت شناسایی و بازداشت کردند. جوان ۲۳ساله در بازجویی‌های مقدماتی اتهام قتل پارسا را

بودیم. ساعتی پیش از حادثه تلفن همراه او زنگ خورد. پارسا در این تماس تلفنی از کسی که در آن سوی خط بود آدرس گرفت و با عجله از خانه خارج شد. وقتی از او در این‌باره سوال کردم جواب روشنی نداد و گفت می‌خواهد اختلافش را با یکی از دوستانش حل کند. ساعتی بعد از آنکه برادرم از خانه بیرون رفت از بیمارستان با من تماس گرفتند و گفتند حادثه تلخی برای پارسا اتفاق افتاده است. اظهارات برادر پارسا ظن پلیس را درباره کشته‌شدن او به دست رقیب عشقی‌اش تقویت کرد. در چنین شرایطی افسران پلیس با تجسس‌های پرانمه خود، این جوان را که شهرام نام داشت شناسایی و بازداشت کردند. جوان ۲۳ساله در بازجویی‌های مقدماتی اتهام قتل پارسا را

خواستگار، دختر مورد علاقه‌اش را ربود

پسر ثروتمند با وجود رضایت شاکي به چهارسال حبس محکوم شد



عکس‌تشریح

یک روز با سیم‌ا در این‌باره صحبت کردم؛ اما او گفت فعلا قصد ازدواج ندارد و اگر می‌خواهم با او ازدواج کند باید مدتی صبر کنم. آن زمان فکر می‌کردم منظور سیم‌ا یکی، دو ماه است اما وقتی این مدت گذشت او باز هم حاضر نشد جواب روشنی در این‌باره بدهد. شب قبل از دستگیری در حالی که با تکلیف بودم و نمی‌دانستم باید چه‌کار کنم به خانه آنها رفتم. وقتی زنگ

که متهم اصلی «روح‌الله دانشی» را با آن به قتل رسانده بود، بارانهامی‌های «علیرضا» کشف شد. به گفته اکبرشاهی، متهم اصلی پرونده پس از حضور در پلیس آگاهی متوجه شد روح الله دانشی، قوی‌ترین مرد ایران را کشته است و تا پیش از آن مقتول را نمی‌شناخت. وی در ادامه با رد هرگونه ارتباطی میان متهم به قتل

و مقتول و برخی سخنان در خصوص شخصی بودن این قتل اظهار کرد: تاکنون کارآگاهان هیچ ارتباطی میان این قضایا نیافته‌اند و می‌توان گفت این قتل فقط یک اتفاق بود که در اثر برخورد دو خودرو و در نتیجه نزاع لفظی رخ داد. در حالی که تحقیقات در این زمینه همچنان ادامه دارد، پایگاه اطلاع‌رسانی دادرسی عمومی و انقلاب کرج گزارش داد، حجت‌الاسلام غلامحسین محسنی‌آزادی، دادستان کل کشور برای اطلاع از روند رسیدگی به پرونده قتل روح‌الله دانشی در دادرسا حضور یافت و با متهمان به گفت‌وگو پرداخت. بنا بر این گزارش رسیدگی به پرونده هنوز در مرحله مقدماتی است و تاکنون قرار مجرمیت علیه متهمان صادر نشده است.

همین دلیل با ترفندی شماره تلفن او را به دست آوردم و با او تماس گرفتم تا روبرو را یکدیگر گفت‌وگو کنیم. وقتی پارسا به محل قرار آمد تلاش کردم آرام باشم. از پارسا خواستم تا از ازدواج با سارا منصرف شود. اما او گفت هرگز این کار را نمی‌کند. به این ترتیب او را درگیر شدم و در یک لحظه با یک شیشه نوشابه که آنجا بود بره‌ای به سرش زدم. در یک لحظه خون از سر پارسا فواره زد و من که دست و پایم را گم کرده بودم او را در همان حال رها کردم و گریختم. فکر نمی‌کردم یک گفت‌وگوی ساده به قتل منجر شود. من فقط می‌خواستم رقیبم را از ازدواج با دختر مورد علاقه‌ام منصرف کنم و نمی‌خواستم او را بکشم. بر اساس این گزارش پس از اعترافات این جوان برای او کیفرخواست صادر شد و او که هم‌اکنون در بازداشت به سر می‌برد، قرار است به‌زودی در دادگاه کیفری استان فارس در جایگاه متهم بایستد و در برابر اتهام قتل عمد از خود دفاع کند.

زدم سیم‌ا به استقبال آمد و من هم او را سوار خودروام کردم تا با هم درسره‌ا ازدواج گفت‌وگو کنیم اما وقتی او از نیتم باخبر شد شروع به دادوفریاد کرد. من هم برای جلوگیری از آبروریزی او را به خانه‌ام بردم. روز حادثه، قصد داشتم او را به منزل‌شان ببر گردانم اما در بین راه بحث بین

ما بالا گرفت و در حالی که در خیابان جمهوری توقف کرده بودیم، به‌خاطر توهین‌هایی که به من کرد او را کتک زدم. من در این مدت پول زیادی برای سیم‌ا خرج کرده بودم و او نباید این‌طور جوابم را می‌داد.

در پی این اظهارات در حالی که دختر جوان از فرید به اتهام آدم‌ربایی شکایت کرده بود، پرونده با صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست به مجتمع قضایی بعثت ارسال شد. در جلسه رسیدگی به این ماجرا قاضی بار دیگر از طرفین خواست آنچه ا که رخ داده بود، شرح دهند. سیم‌ا در این‌باره گفت: فرید، جوان پولداری است. در این چند ماهی که از آشنایی‌ام با فرید می‌گذرد او محبت زیادی به من کرده اما من به‌خاطر اینکه او را بهتر بشناسم، می‌خواستم دوره آشنایی‌مان بیشتر شود.

در این مدت، فهمیدم فرید دچار افسردگی شدیدی است و به همین دلیل می‌خواستم با رفتارم او را دل‌سرد و از ازدواج منصرف کنم؛ اما روزبه‌روز علاقه او بیشتر می‌شد و به ازدواج اصرار می‌کرد. در این جلسه فرید نیز با اعلام اینکه هر کاری که کرده به دلیل علاقه زیاد به سیم‌ا بوده از او خواست از شکایتش صرف نظر کند.

در پایان رسیدگی به این ماجرا قاضی با بررسی اظهارات شاک‌ی و متهم، فرید را گناهکار تشخیص داد و از آنجایی که دختر جوان از شکایتش صرف‌نظر کرده بود، وی را با تخفیف به تحمل چهارسال حبس محکوم کرد.

نگاه

تشدید مجازات چاره کار نیست

جعفر کوشا

رئیس انجمن جرم‌شناسی ایران



■ وضعیت و آمار جنایی در هر کشوری به عوامل متعددی بستگی دارد و ضرب جرم در هر کشوری باید با توجه به عوامل موجود در آن کشور بررسی شود. بالا رفتن آمار جرایم خشن در یک کشور به‌طور کلی نشان‌دهنده عدم تعادل روحی افراد آن جامعه‌است. برخی از کارشناسان معتقدند برای جلوگیری از ارتکاب جرایم خشن باید خشونت بیشتری را نسبت به فرد مرتکب به کار برد. آنها عقیده دارند در صورت ایجاد خشونت بیشتر و مجازات مجرم، مرتکبان بالفعل و بالقوه مرعوب می‌شوند و دیگر دست به ارتکاب خشونت نمی‌زنند. حال آنکه در مسایل خشونت‌آمیز و جرایم خشن باید به سه محور وضعیت جامعه، وضعیت بزددیده و وضعیت بزهکار توجه کرد. در خصوص محور نخست باید توضیح دهم قوانین یک جامعه باید در جهت آسایش مردم باشد و آنها از وجود این قوانین احساس رضایت کنند. همچنین باید زیرساخت‌ها را برای زندگی سالم فراهم کرد یعنی باید مشکلات اقتصادی، تنش‌های روانی، شوک‌های سیاسی و اقتصادی و سایر موارد که می‌توانند در ایجاد یا عدم ایجاد یک جامعه آرام تأثیرگذار باشند، شناسایی شود و درباره آن اقدام مناسب صورت گیرد. اگر قوانین موجود و برنانه‌های مانده برنانه پنج‌ساله و سایر سیاست‌های کلی در سمت و سویی باشد که مشکلات اقتصادی را اجتماعی را برطرف کند جامعه به سمت آرامش می‌رود. در جامعه‌ای که مردم آرامش نداشته باشند بزهکار و بزه‌دیده بالقوه کمتر دیده می‌شود اما جامعه‌ای که در آن فریبکاری، عوام‌فریبی، اغفال و مسایل غیراخلاقی رشد کرده باشند بزهکاران بالقوه هم بیشتر رشد می‌کنند.

در واقع رابطه معنی‌داری بین جامعه پر تنش و آمار بزهکاران بالقوه و همچنین جامعه آرام و مرفه و عدم وجود بزهکار وجود دارد. بنابراین اگر دیده می‌شود در جامعه‌ای افراد حتی برای مواردی کوچک و غیر مهم برخاشگری و در نهایت اقدام به خشونت می‌کنند، این رفتار محصول برانده جامعه‌ای است که در آن سراز کار یا اهرم‌هایی برای رفاه و آرامش شهروندان وجود ندارد و در نتیجه افراد برای گرفتن حقوق خود سعی می‌کنند با برخاشگری و بر هم زدن امنیت عمومی و جامعه حق خود را مطالبه کنند. در جامعه‌ای که ابزارهای رسیدن به حقوق برای مردم عادی به راحتی تعبیه نشده باشد مردم دست به خشونت می‌زنند. این‌گونه بتوانیم در موضوع پیشگیری از جرایم خشونت‌آمیز راهکاری ارائه بدهیم، پیشنهاد این است:

۱- در مورد حقوق جامعه باید بسترهای فرهنگی به وجود آید که در این بسترها مساله اشتغال، قومیت‌ها و مهم‌تر از همه روابط اجتماعی و نحوه تعامل افراد با یکدیگر مورد مطالعه قرار گیرد یعنی متولیان فرهنگی نحوه تعامل افراد با یکدیگر و چگونگی مطالبه حقوق افراد از سازمان‌های دولتی را بررسی کنند.

۲- در مورد بزهکاران بالقوه باید شناسایی مناطق و محله‌های جرم‌خیز و محیط‌هایی که مساعد برای ارتکاب جرم است شناسایی شود و افرادی که در این محله‌ها سکونت دارند مورد مطالعه جامعه‌شناختی قرار گیرند تا افرادی در پشت پرده از این دسته از شهروندان سوءاستفاده نکنند، فراموش نکنیم از آنجایی که این افراد به لحاظ وجود حالاتی که ممکن است خطرناک باشد و همچنین به دلیل وضعیت روحی و روانی، آمدگی ارتکاب جرم را دارند و ممکن است به صورت آبرزی اجبر شوند و بنابراین شناسایی این افراد مانع از جلوگیری وقوع جرایم می‌شود.در مورد بزهکاران بالفعل نیز مدل پیشنهادی این است که با تشکیل پرونده شخصیت در مورد این افراد در کنار پرونده قضایی بتوان به شخصیت این افراد پی برد و برای هر کدام از آنها مجازات متناسبی را تعیین کرد. باید تأکید کنم تسریع در رسیدگی به پرونده مالک متناسبی برای برخورد نیست چرا که سرعت در رسیدگی مانع از تحقیق علمی خواهد‌شد.

۳- در مورد بزه‌دیدگان بالقوه و بالفعل، مدل پیشنهادی این است که با آموزش به همه شهروندان و ایجاد هویشاری و هوشمندی برای احاد مردم می‌توان بسیاری از بزه‌دیدگان بالقوه را از اماع ارتکاب جرم خارج کرد. افراد بزه‌دیده بالقوه با آموزش‌های می‌توانند خود را از ارتکاب جرم ننگه‌دارند، بزه‌دیدگان بالفعل نیز باید با ارائه مشاوره روانی و قضایی مورد حمایت قرار گیرند. نگاه حمایتی بر این افراد باعث می‌شود بتوانند به حقوق از دست رفته خود برسند. با توجه به موارد ذکر شده باید تأکید کنم با مجازات شدید نمی‌توانیم از وقوع جرم جلوگیری کنیم و برای جلوگیری از وقوع جرایم خشن باید با هر قشر برخورد علمی خاص خود را انجام دهیم و تا زیرساخت‌ها را تغییر ندهیم راه به جایی نمی‌بریم.

رخداد

اهدای اعضای بدن مرد پرستار

■ ایستة خانواده مرد پرستاری که در هنگام نجات فرزندش از غرق‌شدن، دچار مرگ مغزی شده بود، اعضای بدن وی را اهدا کردند. «بهیار صابری» به دنبال نجات فرزندش از غرق‌شدگی در استخر خانگی جان باخت. وی پس از نجات فرزند خردسال خود به علت اضطراب، استرس و فشار روحی زیادی که در حین نجات به او وارد شده بود قادر به شناکردن نبود و غرق شد. بعد از اطلاع به مرکز امداد و نجات و با حضور مأموران امداد نجات در صحنه حادثه و خارج کردن وی از آب، به علت طولانی‌شدن زمان غرق‌شدگی پس از احیای قلبی-ریوی دچار مرگ مغزی شد. خانواده این پرستار پس از تأیید مرگ مغزی توسط متخصصان مربوطه اعضای بدن او را اهدا کردند.